

جناح رفسنجانی، درپیش برد برنامه‌های خود تاکتیک جنگ و گریز درپیش گرفته است

اظهار داشت: «باید به بخش خصوصی در فعالیت اقتصادی کشور سهم بیشتری داده شود و از پول مردم برای سرمایه‌گذاری در امور تولیدی بهره‌برداری گردد» و «دولت باید بخشی از فعالیت و امکانات خود را برای راه‌اندازی و تولید بیشتر در کشاورزی و صنایع به مردم واگذار کند» او همچنین ضمن اشاره به مشکلاتی چون بازار سیاه، تورم، گرانی، سطح نازل تولید چه در کشاورزی و چه در صنعت، ... هدم امکان از سرگیری جنگ را فرصتی برای دولت دانست تا «بیشترین تلاش را برای اجرای برنامه‌های عمرانی بقیه در صفحه ۲

هاشمی رفسنجانی طی سخنانی در نماز جمعه هفته گذشته (۷ مهر) جهاتی از سیاست‌های داخلی مورد نظر خود را تصریح کرد و هدف این سیاست‌ها را «افتتاح ایران» نام نهاد. رفسنجانی که بخش اعظم سخنان خود را به بررسی مشکلات اقتصادی کشور اختصاص داده بود بدون آنکه کوچکترین ذکری از سیاست‌های ویرانگر و ایران بر برادده خود رژیم به مثابه عامل اصلی همه این مشکلات بکند به بیان «راه حل» پرداخت. او شرکت دادن و سبقت «مردم» و بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی را برای رفع مشکلات اقتصادی کشور ضروری دانست. او



دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۶۸ برابر با ۱۲ اکتبر ۱۹۸۹
بها ۶۰ ریال سال ششم شماره ۲۷۷

لایحه قانون کار، ارتجاعی تر از پیش

بررسی مجدد لایحه قانون کار حکومت آخوندی پس از سالها کشمکش و جنگ و جدال از روز سه‌شنبه در مجلس آغاز شد. لایحه اخیر که در آبان سال ۶۶ به تصویب مجلس رسید علیرغم ارتجاعی بودن آن، به خاطر تأمین کامل نظریات اعضای شورای نگهبان که کمر خدمت هر چه بیشتر به کلان سرمایه‌داران کشور بسته بودند، در نشست آبانماه این «شورا» در ۲۶ بند و ماده مورد اشکال واقع گردید و این شورا مقایرت مصوبه مجلس را با موازین شرع و قانون اساسی اعلام کرد و لایحه را جهت بررسی و اصلاح موارد اختلاف به مجلس ارجاع نمود.

بعد از آن، لایحه مجدداً در «کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس» مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت که پیرامون لایحه اصلاح شده کمیسیون بین «کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس» و شورای نگهبان از یک سو و این کمیسیون با وزرای امور اقتصادی و صنعتی دولت موسوی از سوی دیگر اختلاف نظر شکل گرفت.

بقیه در صفحه ۳

تن‌های گردن زده:

قساوت آل سعود، شرارت فقها

در آستانه قرن بیست و یکم، عصری که بشریت مترقی در اقصاء نقاط جهان برای حراست از حقوق بشر بپاخاسته است، در سرزمین حجاز، انسان‌ها بدست حکام هربستان سعودی و حشیانه گردن زده می‌شوند.

روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ۶۶ نفر که ۱۰ نفر آنها کویته ایرانی الاصل بودند در هربستان گردن زده شدند. علاوه بر این شانزده تن ۴ کویته دیگر نیز به جرم همکاری با آنها به ۱۵ تا ۲۰ سال زندان و ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

این جنایت «تقصاص اسلامی» کسانی بود که به جرم بمب‌گذاری در مراسم حج امسال دستگیر شده بودند. مقامات جمهوری اسلامی رژیم هربستان را در این ارتباط محکوم دانستند و رژیم این کشور را تهدید کردند که در مقابل این بقیه در صفحه ۳

ار رو بسدادهای ایران

* انتصابات و تغییرات جدید
در نیروهای مسلح

* اعتراض مطبوعات حکومت
به سخنان رئیس قوه قضائیه

* تهدید مهلت استقرار
نیروهای ناظر صلح سازمان ملل متحد

* ادامه مذاکرات ایران و ژاپن
پیرامون پروژۀ پتر و شیمی

در صفحه ۴

اعلان جنگ علیه دستفروشان



بگشایند، بر پایه اظهارات رسمی و نیمه-رسمی این مقامات و آمارهای منتشر شده وضعیت اقتصادی کشور دچار فلج کامل است. بر پایه این گفته‌ها در جامعه حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر بیکار وجود دارند که هر ساله بیش از ۳۵۰ هزار نفر بر تعداد آنان افزوده می‌گردد و رژیم قادر به تأمین اشتغال برای آنان نیست. مطابق اظهارات رئیس‌جمهور کارخانجات کشور با ظرفیتی حتی کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت خود مشغول به کارند و این در حالی است که افلاس مالی و ارزی رژیم مانع از سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تولیدی شده و حتی در مواردی به تعطیلی کامل بخش‌های مختلف تولیدی و اخراج هزاران کارگر که ممر درآمدی جز فروش نیروی کار نداشته‌اند شده است. بر اثر ویرانی روستاها و رکود تولید در بخش کشاورزی میلیون‌ها روستایی کم‌زمین و بی‌زمین خانه خراب شده‌اند و بقیه در صفحه ۶

ده سال حکومت اسلامی، ده سال حاکمیت جهل و جنایت و سرکوب، حاکمیت فقر، گرسنگی، بی‌خانمانی و آوارگی برای میلیون‌ها مردم هموطنمان بوده است.

در طول ده سالی که از عمر این رژیم می‌گذرد فقر و فاقه همومی هر روز شدت بیشتری می‌گیرد و دامنه فلاکت اقتصادی-اجتماعی ناشی از سیاست‌های ارتجاعی آن ابعاد بیشتری می‌یابد.

میلیون‌ها نفر از نیروی کار کشور در اثر سیاست‌های فلفط اقتصادی و بحران ساختاری ناشی از وجود سیستم سرمایه‌داری وابسته که حکومت کمر همت به بازسازی آن بسته است و همچنین در نتیجه ادامه سیاست ویران‌کننده «جنگ، جنگ تا پیروزی» بیکار و بی‌خانمان شده‌اند.

سران و مقامات رژیم در اظهارات گوناگون خود مجبور شده‌اند که زبان به انشای برخی از واقعیات دردناک جامعه

دو کودک از انبوه کودکان گرسنه ایرانی، رژیم فقر را گسترش می‌دهد، فقر را می‌گیرد و می‌بندد.

جناح رفسنجانی، درپیش برد برنامه‌های خود تاکتیک جنگ و گریز درپیش گرفته است

بقیه از صفحه اول
کشور بکار گیرد.

رفسنجانی کسی است که به عنوان مبتکر بهبود مناسبات خارجی جمهوری اسلامی بویژه با "جهان غرب" و یک سر ماجرای "ایران گیت" شهره است و این روزها هم حرف درباره تلاشهای او برای از سرگیری مناسبات با آمریکا تحت پوشش‌های مختلف، بسیار است. بعلاوه حداقل برای رفسنجانی روشن است که "بازسازی" و "راه اندازی" که او برای تقویت و تثبیت موقعیت خود در دوره پس از مرگ خمینی بر آنها تاکید کرده است - حداقل تجدید نظر در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی را ایجاب میکند. با وجود همه اینها رفسنجانی در سخنانش حرفی از سیاست خارجی مورد نظر خود برای جامعه عمل پوشاندن به برنامه‌هایش به میان نیاورد. چندی پیش نیز رفسنجانی تنها به اظهار نظر پیرامون امکان بسط مناسبات با کشورهای منطقه اکتفا کرده بود.

سکوت رفسنجانی در مورد مناسبات ایران با غرب و خاصه از سرگیری روابط با آمریکا ظاهراً فریب می‌نماید. اما در متن مناسبات حکومتی و رویدادهای چند هفته اخیر این سکوت فریب نیست. او بعد از مرگ خمینی و در جریان "انتخاب شدنش" به عنوان رئیس‌جمهوری و دولت تمایل خود را در این باره پنهان نگذاشته بود. می‌توان گفت حتی کمی هم "پارا" از گلیمش درازتر کرد. اما همین اظهار تمایل با شلیک سنگین رقیب "ضد آمریکایی" که زخم سنگینی هم از ائتلاف رفسنجانی - خامنه‌ای خورده بود و روبرو شد. باین ترتیب آن آزمون اولیه کلاف پرتضاد عواملی را که رفسنجانی و برنامه‌های مورد نظرش با آن مواجه بودند بر خود او نیز آشکار کرد. بحران حاد و همیق اقتصادی و تشدید نارضایتی مردم که امکان بقای جمهوری اسلامی را بر پایه ادامه سیاست‌های دهساله نخست پس از "انقلاب" محدود و محدودتر می‌کند و "خمینی‌زدایی" را ایجاب می‌کند، تاثیر "میراث خمینی"

چه بصورت ساختار حکومتی - که بر دامنه بحران می‌افزاید - و چه در قامت جناحی از حکومت که از وزن قابل توجهی در ارگان‌های حکومتی برخوردار است، فقدان عنصر نیرومندی چون شخص خمینی که بتواند "وحدت کلمه" را حفظ کند، اشتراکات سیاست رفسنجانی با سیاست جناح رقیب خاصه در سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی و تشدید سرکوب، الزام سیاست او به توسل به مناسبات نابرابر با کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی و... تعدادی از آن عوامل اند.

کوتاه کلام، رفسنجانی به سبب آن الزامات و تضادهای از سویی ناگزیر به شتاب و از سویی دیگر ناگزیر به درنگ است. رفسنجانی در شتاب اولیه‌اش "تودهنی" خورد. پس این بار توسل به شیوه‌ای دیگر ضرورت می‌یابد: شتاب از "پائین"، درنگ از "بالا".

خوانندگان "اکثریت" از ماجرای درج مقاله‌ای تحت عنوان "نکته" در اطلاعات سه شنبه ۲۱ مردادماه اطلاع دارند. اگر سعیدی سیرجانی نویسنده مقاله مذکور کسی نبوده باشد که چراغ اول این شیوه را روشن کرده باشد و مقاله‌اش تنها نگاشته‌های یک حاشیه‌نشین جسور رژیم تلقی شود، اما بشارتی معاون وزیر امور خارجه، لاریجانی مشاور وزیر امور خارجه، رجایی خراسانی رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس و یزدی رئیس قوه قضاییه را باید از زمره طلایه‌داران دانست.

بشارتی از تلاش‌های دولت بوش برای بازکردن پاره‌های گره‌های کور گذشته خبر داده است، رجایی خراسانی بر لزوم دست زدن به حرکات مردانه برای بهبود مناسبات با عربستان سعودی تاکید کرده است، لاریجانی برداشتن گام اول در تجدید مناسبات با آمریکا را در صورتی که این مناسبات بسود ایران باشد وظیفه شرعی اعلام کرده و از جانب ایران برای مذاکره مستقیم با عراق اظهار آمادگی کرده است و محمد

یزدی نسبت به آزادی راجر کوپر - کسی که با اتهام جاسوسی برای انگلیس توسط جمهوری اسلامی بازداشت و محکوم شده - ابراز خوشبینی و امیدواری کرده است. البته همگی این اظهارات با واکنش مخالفان روبرو شده است: اعضای کمیسیون سیاست خارجی مجلس بیانیه‌ای انتشار دادند و اظهارات خراسانی را نظر شخصی او خواندند، صد تن از نمایندگان مجلس در اعتراض به اظهارات یزدی، از وزارت دادگستری توضیح خواستند و در مجلس مطرح کردند "کسی را که خمینی آزاد نکرده است ما چگونه میتوانیم آزاد کنیم".

و بعضی از این طلایه‌داران هم پس نشستند: خراسانی گرچه تاچندی بر سر اظهاراتش ماند، اما سرانجام "اقرار" کرد که جایی برای بهبود مناسبات با عربستان سعودی نمانده است. لاریجانی هم با استناد به اینکه گفته بود "اگر مناسبات با آمریکا به سود ایران باشد، ایران باید چنین و چنان کند" به تفسیرهای دو پهلو از گفته‌های خود دست زد.

با وجود این پس نشستنها، باید واکنش حریف را در برابر مقاله "نکته" با واکنشش در برابر اظهارات افراد مذکور که مضموناً همان اند و حداکثر یکماه پس از آن بیان شده‌اند مقایسه کرد. مقاله "نکته" کمتر از یاهو آرزیابی نشد و برخورد شدید و اسلامی با نویسنده آن درخواست شد. ولی "یاهو" های لاریجانی و خراسانی و یزدی یاهو هم آرزیابی نشدند.

احمد خمینی که به عنوان "یادگار امام" و یکی از سردمداران جناح مخالف رفسنجانی قاعدتا باید "توی دهن" این افراد می‌زد، در سخنانی که در دیدار با "فرزندان شاهد" ایراد کرد کیفیت مقابله کم‌حس و جانی را عرضه کرد. او که دقیقاً همان افراد و همان اظهارات را نشان رفته بود فراتر از این نرفت که بر وجود "زمنه‌هایی راجع به عدم حفظ کینه انقلابی ما نسبت به آمریکا و سوالاتی در مورد حدود ضرورت و ایستادگی در مقابل آمریکا و اینکه تاکی باید به تبلیغات

خود علیه آمریکا ادامه دهیم و آیا دوره انقلاب به سر نیامده" صحنه بگذارد، این سوالات را انحرافی بخواند و در اثبات دشمنی‌های آمریکا با جمهوری اسلامی سخن ببرد.

با این احوال باید انتظار داشت در آینده نه‌چندان دور "زمنه" های مذکور شکل واضح‌تری به خود بگیرند و از زبان بزرگترها هم شنیده شوند. اما این هنوز وادیه معنای رفع موانع تحقق برنامه‌های رفسنجانی نیست. رفسنجانی از این واقعیت که مخالفانش در صورت پیروزی در جنگ قدرت، سیاستی سرکوبگرانه، انزوایگرانه، متراضانه برای مردم و ماجراجویانه را پیش خواهند برد برای پس‌زدن آنان سودجسته و خواهد جست اما در بررسی موانع تحقق برنامه‌های رفسنجانی در محدوده صرفاً سیاسی و حکومتی عوامل زیر را باید مدنظر داشت: - جناح مخالف وی هنوز چندان قدرتمند هست که در مقابل رفسنجانی و برنامه‌هایش برآمد کند و سیاست خود را مطرح کند و تا حدودی پیش‌برد.

- رفسنجانی تحکیم موقعیت خود را مدیون ائتلاف با خامنه‌ای است و در صورت حذف جناح مخالف تداوم این ائتلاف ابداً قطعی نیست.

- ائتلاف رفسنجانی - خامنه‌ای در ضرورت و توسل به سرکوب با جناح مخالف همدستی مطلق دارد.

- "برنامه‌های رفسنجانی تناقضات درونی خود را دارا است. مثلاً رفسنجانی در همان سخنان جمعه هفته پیش خود باز تکرار کرد که همچنان بخشی از امکانات کشور را به تقویت بنیه نظامی تخصیص خواهد داد و ایران در امور تحقیقات نظامی و ساختن اسلحه تلاش ویژه‌ای می‌کند، چنین سیاستی مانعی اساسی در راه "بازسازی" است.

- اینکه رفسنجانی چاره را در بهبود مناسبات با غرب یافته و در این مسیر می‌تازد هنوز به معنای حل مساله نیست. مناسبت دو سو دارد و یک سوی آن آمریکا یا هر کشور دیگریست که رفسنجانی در صدد تجدید یا بهبود رابطه با آن است. چندی پیش ۱۸۶ نفر از نمایندگان کنگره آمریکا دولت بوش را به انصراف از تلاش برای تجدید مناسبات با جمهوری اسلامی فراخواندند و هفته گذشته نیز ۲۵۹ تن از نمایندگان مجلس ایتالیا (از جمله ۴ وزیر) ضمن محکوم

کردن جمهوری اسلامی بخاطر اختناق، دل‌بستن به وجود خط میانرو و واکنش در درون جمهوری اسلامی را بی‌موده دانستند. این حاکی از عدم رضایت بخش‌هایی از هیات حاکمه این کشورها از مواضع فعلی رفسنجانی و عدم اطمینان به استحکام این مواضع است. صرف‌نظر از اینکه هیات حاکمه این یا آن کشور بتواند بار رفسنجانی که هیچگاه در پیشبرد سیاست سرکوب دست کمی از رقیبان امروزی‌اش نداشته است کنار بیاید یا خیر، در هر حال رفسنجانی باید اقتدار فعلی خود را برای هدایت جامعه انسان که آنان می‌خواهند نشان دهد. این امر هم تنها در گرو پیروزی در جنگ قدرت نیست. آنان منتظر بروز این اقتدارند تا مناسبات را تجدید کنند، رفسنجانی به امید آن است که مناسبات تجدید شوند تا او این اقتدار را بروز دهد و تثبیت کند. اما این اعلام مواضع نمایندگان کنگره آمریکا و پارلمان ایتالیا و غیره را نباید تنها به عنوان ابراز عدم رضایت از مواضع فعلی رفسنجانی و استحکام آن ارزیابی کرد، اعلام موضع این نمایندگان در ضرورت حمایت از سازمان مجاهدین خلق به عنوان آلترناتیو قدرت سیاسی حاکم، در شرایطی که چنین تحولی به هیچ وجه محتمل نیست، خود، پشتیبانی فعلی از جناح رفسنجانی و دادن چماقی بدست آن برای کوبیدن بر سر رقیب و "بروز اقتدار فعلی" رفسنجانی است.

لایحه قانون کار، ارتجاعی تر از پیش

بقیه از صفحه اول

پس از شکل‌گیری اختلافات فوق در اواسط سال ۶۷ لایحه قانون کار جهت بحث و بررسی بیشتر به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد که بعد از بازگشت این لایحه از مجمع تشخیص مصلحت در اوایل سال ۶۸ اعلام شد که شورای نگهبان یک دوره تجدید نظر در مورد آن انجام داده است.

کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس در اوایل خردادماه سال جاری با توجه به نقطه نظرات اعلام شده از سوی شورای نگهبان کار بررسی مجدد لایحه را آغاز کرد و پس از تصویب در کمیسیون، آن را روز یکشنبه ۲۶ شهریور ماه در دستور کار مجلس قرار داد.

در جلسه روز سه‌شنبه ۲۸ شهریور ماه مجلس که بررسی و اصلاح لایحه قانون کار در جهت تامین نقطه نظرات شورای نگهبان صورت گرفت چندین ماده و تبصره این لایحه مورد تصویب قرار گرفت.

در اصلاحیه جدید تبصره ۲ ماده ۷ گفته می‌شود: "اصل قرارداد کار عدم تعیین مدت است مگر

اینکه معین بودن کار در قرارداد تصریح شود." این بدین معناست که به کارفرما امکان داده می‌شود که هر زمان که خواست کارگر را به بجان عدم تصریح و تعیین مدت قرارداد، اخراج نماید.

در اصلاحیه ماده ۱۵ آمده است: "در موردی که بواسطه توه تهریه و یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی که وقوع آن از اراده طرفین خارج است، تمام یا قسمتی از کارگاه تعطیل شود و انجام تعهدات کارگر یا کارفرما بطور موقت غیرممکن گردد، قراردادهای کار با کارگران تمام یا آن قسمت از کارگاه که تعطیل می‌شود به حال تعلیق در می‌آید. تشخیص موارد فوق و میزان پرداخت حقوق مدت مذکور با هیات‌های تشخیص و حل اختلاف خواهد بود. کارفرما مکلف به انجام حکم هیات حل اختلاف می‌باشد."

در این مصوبه به نحو آشکار و قبیحانه‌ای حق اعتصاب از کارگران سلب شده و قرارداد کار کارگران شرکت‌کننده در اعتصاب خودبخود معلق اعلام شده است. در این مصوبه تلاش شده است که کارگران را با ترساندن از تعلیق قرارداد کار، از مهمترین سلاح مبارزاتی‌شان، اعتصاب، محروم کنند. در این مصوبه به جای کاربرد کلمه اعتصاب از بیان "موردی که بواسطه توه تهریه و یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی... تمام یا قسمتی از کارگاه تعطیل شود..." استفاده شده است.

"تشخیص موارد فوق" و به بیان صریح بررسی شکایت کارگران اعتصابی پس از تعلیق قرارداد کار، برعهده هیات حل اختلاف نهاده شده است. هیات حل اختلاف متشکل از نمایندگان کارفرما و وزارت کار رژیم و نمایندگان انجمن‌های اسلامی کار می‌باشد که با توجه به ترکیب هیات مزبور و حمایت معمول نمایندگان وزارت کار رژیم از منافع کارفرمایان ماهیت احکام صادر توسط این هیات‌ها نیز کم و بیش روشن است.

قساوت آل سعود، شرارت فقها

بقیه از صفحه اول

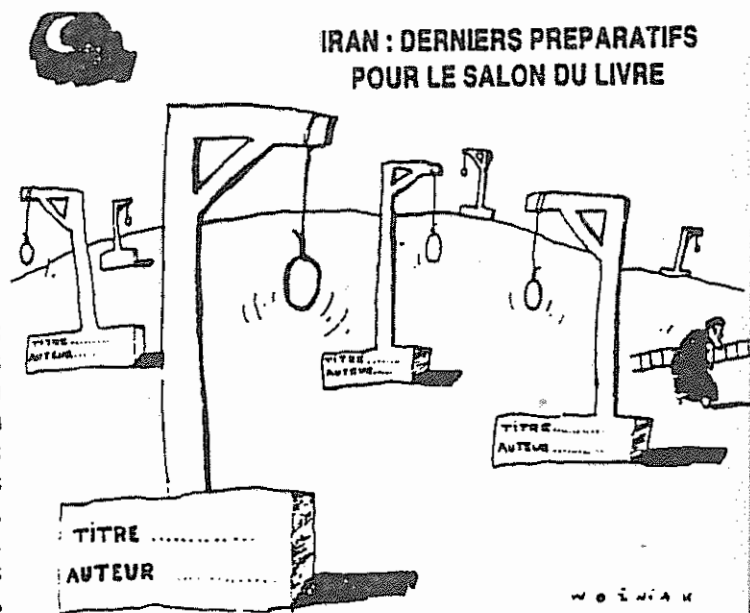
جنایت حساب پس خواهد داد. رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدن خود، به مکه که بزرگترین و مهمترین مکان اسلامی است، به عنوان عرصه مناسبی جهت پیشبرد سیاست توسعه طلبانه خود چشم دوخت

در این راستا دو سال پیش در نتیجه تحریکات جمهوری اسلامی و وحشیگری پلیس سعودی صدها تن از زائران جان خود را از دست داده‌اند. در پی این اقدامات آشوبگرانه که حکومت اسلامی سازمانگر و گرداننده اصلی آنها بود رژیم عربستان محدودیت‌هایی برای زائران ایرانی ایجاد کرد. سال گذشته جمهوری اسلامی موفق نشد زائران خود را بد مکه بفرستد. امسال نیز بعد از مشاجرات بسیار ظاهراً بر سر تعداد زائران، بین رژیم‌های ایران و عربستان توافق حاصل نشد و زائران ایرانی از مسافرت به مکه محروم شدند. اما رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی از هدف اصلی خود در این رابطه بازماند و اقدام به فرستادن عوامل خود از ملیت‌های مختلف به مکه، جهت عملی ساختن نیت خویش نمود. حکام مکه که در نتیجه تجارب سال‌های گذشته اقدامات امنیتی خاصی در این رابطه تدارک دیده بودند، با تسلط بر اوضاع هدای از زائران را به جرم بمب‌گذاری در مراسم حج دستگیر کردند، ۱۶ نفری که روز ۳۰ شهریور "تقصاص اسلامی" شدند از دستگیرشدگان سال گذشته مراسم حج بودند.

این جنایت علیه هواداران جمهوری اسلامی تحت عنوان "تقصاص اسلامی" شباهت کاملی با جنایات حکومت اسلامی در ایران از جمله سنگسار زنان دارد. اولی زیر لوای "اسلام و هابی" و دومی زیر بیرق "اسلام فقهاتی" و "اسلام ناب محمدی" است. اما گذشته از تفاوت اسمی این دو، آنها در یک چیز مشترکند و آن جنایت‌پیشگی و وحشیگری و تباهی اندیشه‌ها ملان آنهاست.

جالب آنست که در این میان صدام حسین در اشتراک با این جنایت عقب‌نماند و طی پیامی آن را به حکام آل سعود تبریک گفت و مثلث جنایتکاران تهران - ریاض - بغداد را تکمیل کرد.

IRAN : DERNIERS PREPARATIFS POUR LE SALON DU LIVRE



از خبرنامه کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

تمدید مهلت استقرار نیروهای ناظر صلح سازمان ملل متحد

«مارک گلدینگ» معاون دبیرکل سازمان ملل در دیدار روز سه شنبه ۲۸ شهریور ماه با وزیر دفاع حکومت اعلام کرد که ماموریت نیروهای صلح سازمان ملل در ایران و عراق به مدت ۶ ماه تمدید میشود.

«خاویر پرز دو کوئیار» دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در گزارش تفصیلی که در مورد مذاکرات ایران و عراق به شورای امنیت سازمان ملل ارائه می داد ضمن تأیید این مطلب اعلام کرد که ادامه وضع کنونی نوعی بی ثباتی ایجاد می کند که نه تنها برای ایران و عراق بلکه برای کل منطقه خطرناک است.

دبیرکل در این گزارش از اینکه پس از یکسال برقراری آتش بس هنوز در اجرای قطعنامه ۵۹۸ هیچگونه پیشرفتی حاصل نشده ابراز نگرانی کرد.

به گفته دو کوئیار نیروهای مسلح طرفین علیه فم چند درگیری کوچک و بزرگ روی هم رفته در جهت حفظ آتش بس تلاش ورزیده اند.

وی در مورد یافتن راه حلی برای از سرگیری این مذاکرات اعلام کرد که به نماینده ویژه خود

«یان الیاتسون» ماموریت داده است که از ماه آینده مسافرت هایی را به پایتخت های دو کشور انجام دهد تا از طریق گفتگو با مقامات ایران و عراق طرحی برای از سرگیری مذاکرات صلح بیابد.

لازم به تذکر است در ۲۳ شهریور ماه در تهران اعلام شد، یک گروه نظامی ۱۵ نفره فنایی تحت فرماندهی «سرهنگ اربیتی» که طرف یکسال گذشته با نیروهای نظامی سازمان ملل ناظر بر آتش بس ایران و عراق «یونیمگ» همکاری داشتند روز دوشنبه ۲۰ شهریور ماه به کشورشان بازگشته اند.

نیروهای صلح سازمان ملل که نظارت بر آتش بس میان ایران و عراق را به عهده دارند، بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی، در اوت ۱۹۸۸ در خطوط آتش بس مستقر شدند.

در این نیروها ۳۵۰ نفر از گروه های نظامی ۲۶ کشور جهان تحت فرماندهی سرلشکر اسلاو کویویویچ از یوگسلاوی در عملیات نظارت بر آتش بس مشارکت دارند.

انتصابات و تغییرات جدید در نیروهای مسلح

سازماندهی و تدارکات را با همکاری فرمانده کل سپاه زیر نظر خواهد داشت.

خامنه ای همچنین رحیم صفوی را که قبلا سخنگوی سپاه بود به عنوان قائم مقام فرمانده کل سپاه و مصطفی ایزدی را به جای فرمانده نیروی زمینی سپاه و عباس محتاج را به عنوان جانشین فرمانده این نیرو برگزید.

ضمناً روز سه شنبه هفته گذشته خامنه ای طی حکمی حسن فیروزآبادی را به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح برگمارد. در این حکم وظایف «ستاد کل» هدایت، آموزش، سازماندهی تسلیحات، سیاست گذاری نیروهای مسلح و ایجاد هماهنگی بین ارتش و سپاه اعلام شده است.

دعاگو مامور تشکیل «شورای سیاست گذاری صدا و سیما» شد

روز سه شنبه حجت الاسلام دعاگو طی حکمی از سوی خامنه ای مامور تشکیل و اداره «شورای سیاست گذاری صدا و سیما» شد.

مطابق این حکم دعاگو به مدت ۳ سال سرپرستی این «شورا» را به عهده خواهد داشت.

در حکم صادر شده از سوی خامنه ای آمده است:

«... ماموریت این شورا که متشکل از رئیس محترم صدا و سیما و برخی از دستیاران ایشان و تنی چند از زبندگان صاحب بصیر خواهد بود، آن است که به تعیین سیاست ها و خطوط عمده فعالیت ها و برنامه های صدا و سیما پرداخته، محصول کار را به اینجانب ارائه کند.

نظارت بر مجموعه کار صدا و سیما از جهت انطباق برنامه ها با سیاست های اعلام شده و نیز

اعتراض مطبوعات حکومت به سخنان رئیس قوه قضائیه

بعد از اظهارات و ابراز تمایل یزدی رئیس قوه قضائیه حکومت در مورد آزادی «راجر کوپر» که مدت ها است به اتهام جاسوسی به نفع دولت انگلستان در زندان بسر می برد، روزنامه های حکومتی بشدت اظهارات وی را مورد انتقاد قرار دادند.

یزدی در هفته گذشته ضمن ملاقات با یکی از بستگان «راجر کوپر» ابراز امیدواری کرده بود که در آینده بتوان نامبرده را آزاد نمود. گفته میشود بعد از اظهارات یزدی ابراز تمایل وی به آزادی «راجر کوپر» انگلیسی در جلسه مجلس همه های از نمایندگان به مخالفت با سخنان وی پرداختند و در همین رابطه بیش از یکصد تن از نمایندگان مجلس در روز چهارشنبه از وزارت دادگستری خواستار توضیح بر سر اظهارات رئیس قوه قضائیه شدند.

لازم به ذکر است که آزادی کورش فولادی تروریست جمهوری اسلامی که در انگلستان به اتهام بمب گذاری در زندان بسر می برد، به عنوان نشانه مذاکرات پنهانی بین مقامات ایران و انگلستان بر سر مبادله کورش فولادی با «راجر کوپر» تلقی شد.

ادامه مذاکرات ایران و ژاپن
پیرامون پروژه پترو شیمی

«اصد رهگذر» معاون وزیر نفت در امور پترو شیمی از ۱۶ تا ۲۰ شهریور ماه سال جاری ضمن بازدید از ژاپن با مدیر عامل شرکت «میتسوئی»، طرف تراداد پروژه عظیم پترو شیمی ایران و ژاپن مذاکراتی انجام داده است.

بنا بر اظهارات مقامات حکومت اسلامی در دیدار اخیر معاون وزیر نفت حکومت با مسئولین شرکت «میتسوئی» و مقامات ژاپنی پیشرفت هایی در زمینه مذاکرات جهت اجرای پروژه مزبور حاصل شده است که هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است ولی همین منابع اظهار امیدواری کرده اند که در آینده نزدیک دو طرف تراداد به توافقهای مهین و قطعی در زمینه اجرای این پروژه دست یابند.

قبلاً اعلام شده بود که کنسر سیوم «میتسوئی» ژاپن حاضر شده است به خاطر ترک مشارکت در مجتمع پترو شیمی ایران مبلغ یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار به ایران خسارت بپردازد. مقامات جمهوری اسلامی اعلام داشته بودند: ایران مایل به قطع این همکاریها نیست ولی در همین حال ممکن است گفتگوهای بیشتری برای افزایش مبلغ فرامت پرداختی به ایران بین این کنسر سیوم و ایران صورت بگیرد و خواهان پرداخت فرامتی به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار شده بودند.

لازم به یادآوری است بدنبال اظهارات طرفهای ژاپنی مورد تراداد در اجرای پروژه پترو شیمی ایران - ژاپن که مشارکت در اجرای این پروژه را از نظر اقتصادی به صرفه نمی دانستند، چند شرکت کره جنوبی پیشنهاد

رسیدگی به نظرات و شکایاتی که از سوی مردم می شود و وظیفه دیگری است که جنابعالی در جنب کار تشکیل و اداره شورا بر عهده دارید و با هماهنگی و همکاری کامل با رئیس محترم صدا و سیما انشاء الله انجام خواهد شد.

تشکیل شورای جدید و تفویض وظایف و اختیارات به آن در حالی صورت می گیرد که بر طبق تغییرات جدید در قانون اساسی شورای سرپرستی «صدا و سیما» بخاطر ایجاد تمرکز در آن حذف و مسئولیت سرپرستی این سازمان به محمد هاشمی رفسنجانی برادر رئیس جمهور سپرده شده بود.

با توجه به شکل گیری «شورای» اخیر و وظایف و اختیارات آن، در کنار سرپرستی «صدا و سیما» مرکز تصمیم گیری دیگری شکل گرفته است که قادر است در تمامی اموری نهاد مداخله نماید.

انتصاب سفیر جدید ایران در سازمان ملل و رئیس بانک مرکزی

وزارت امور خارجه مشاور امور بین الملل وزیر نفت و مشاور وزیر امور خارجه اشتغال داشته است.

گفته می شود بعد از برگماری رئیس کل جدید بانک مرکزی ایران ۳۰ تن از نمایندگان مجلس در اعتراض به این انتصاب طی نامه ای خطاب به کربوبی این اقدام هیئت وزیران را خلاف قانون ارزیابی نموده و خواهان اصلاح این تصمیم شده اند.

ادامه روند بیکار شدن کارگران

طی ۸ سال جنگ ویرانگر و تحت تاثیر سیاست مخرب حاکمان جمهوری اسلامی هده بیشماری از کارگران کارخانجات و موسسات بزرگ اقتصادی از کار اخراج شدند.

بازخريد قريب ۱۵۰۰۰ نفر از کارگران ایران خودرو، حدود سه سال پیش یکی از نمونه های این موج اخراج و بیکاری است. پس از گذشت بیش از یک سال از اعلام آتش بس در جبهه ها هلیبرفم تبلیغات رژیم مبنی بر سازندگی و بهبود زندگی مردم خطر اخراج و بیکاری همچنان کارگران مهین را تعدید می کند. اخبار رسیده از کارخانجات کشور از جمله ایران خودرو، ساسان، بنز خاور و چندین کارخانه دیگر حاکی از ادامه این روند است.

مدتی پیش میرخانی مدیر عامل ایران خودرو اعلام نموده است که می خواهند ۵۰۰۰ نفر از کارگران را بیکار کنند. شرایط و امکانات تولیدی کارخانه ها تحت تاثیر سیاست های حاکم بر اقتصاد کشور نه تنها بهبود نیافته بلکه در هر صه هایی بدتر نیز شده است.

افزایش سقف تولید نفت خام "اوپک"

بقیه از صفحه آخر
توافق این سازمان در مورد تغییر تولید نفت برای مدت ۲ ماه بوده و موقت است و در زمستان سقف تولید کلیه اعضا افزایش خواهد یافت.

در روزهای پایانی اجلاس اخیر نمایندگان جمهوری اسلامی طرعی به کنفرانس ارائه نموده اند که باعث گردیده است نمایندگان شرکت کننده در اجلاس برای بررسی و مشورت بیشتر بر روی آن کار اجلاس را تعطیل نموده و به روز بعد موکول نمایند. در همین حال گفته می شود که این طرح مورد اعتراض نمایندگان لیبی و امارات متحده عربی قرار گرفته است. وزیر نفت لیبی هلت مخالفت خود با پیشنهاد ایران را پایین بودن سهمیه تولید نفت لیبی اعلام کرده است.

در محافل نفتی پیش بینی می شود که در آینده نزدیک امکان برگزاری اجلاس فوق العاده دیگر "اوپک" وجود دارد که در آن طرح پیشنهادی ایران مورد بررسی بیشتر قرار گرفته و احتمال تصویب این طرح با تغییرات جزئی می رود.

در نتیجه تصمیم اخیر اجلاس کشورهای عضو "اوپک" سقف تولید نفت روزانه ایران که تا کنون ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز تعیین شده بود به ۲ میلیون و ۹۲۶ هزار بشکه در روز خواهد رسید.

کردند که حاضر به همکاری با ایران در اجرا آن می باشند. در همین ارتباط نیز وزیر نفت حکومت در ۱۵ تیرماه سال جاری در یک کنفرانس مطبوعاتی در سئول اعلام داشته بود: "چنانچه ژاپن تصمیم بگیرد از سرمایه گذاری مشترک چندین میلیارد دلاری در پروژه پتروشیمی ایران صرف نظر کند، کره جنوبی شانس بسیار خوبی برای شرکت در اجرای این پروژه را دارد."

اجرای طرح مجتمع پتروشیمی ایران از سال ۱۹۷۰ با مشارکت چند شرکت ژاپنی از جمله کنسرسیوم "میتسویی" آغاز گردید. اجرای پروژه مزبور در حالیکه ۸۵ درصد تاسیسات آن پایان یافته بود و هزینه ای در حدود چهار میلیارد و ششصد میلیون دلار را در بر می گرفت در جریان حملات هوایی ارتش عراق به تاسیسات صنعتی کشور قطع گردید و از آن زمان تاکنون چندین دور مذاکرات بی ثمر میان مقامات وزارت نفت حکومت اسلامی و نمایندگان کنسرسیوم های ژاپنی صورت گرفته است.

فروش غیر قانونی تسلیحات اتریشی به جمهوری اسلامی

وزارت دادگستری اتریش با اعلام خبر فوق افزود که دادستان کل بزودی تحقیقات اولیه در باره فروش اسلحه به ایران را آغاز خواهد کرد و در صورت لزوم علیه وزیر دارایی اتریش به دادگاه وین کیفرخواست تسلیم می کند. با این وجود صدراعظم اتریش "اوریتسکی" اعلام داشته است که "فردیناند لایتنا" تا پایان بازجویی در سمت خود باقی خواهد ماند. علاوه بر مقامات دولت اتریش که در مظان اتهام فروش غیر قانونی تسلیحات قرار گرفته اند دادگاه وین نیز اعلام داشته که ۱۸ تن از مدیران عالی رتبه شرکت تسلیحاتی "تریگوم" که در اوج جنگ ایران و عراق متادیر کلان اسلحه به ایران فروخته از ماه آینده محاکمه خواهند گردید. بنا بر قانون اساسی اتریش ارسال و فروش اسلحه به کشورهای در حال جنگ ممنوع می باشد.

به دنبال افشای شرکت برخی از مقامات بلند پایه دولت اتریش در فروش غیر قانونی تسلیحات به حکومت اسلامی که چندی پیش صورت گرفت، وزارت دادگستری اتریش اعلام کرد که "فردیناند لایتنا" وزیر دارایی این کشور در مظان اتهام فروش غیر قانونی تسلیحات به جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است که بزودی تحت بازپرسی قرار خواهد گرفت.

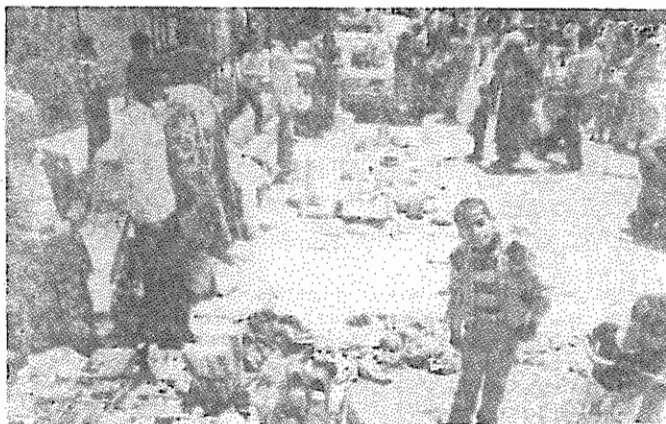
با اعلام جرم اخیر این چهارمین مقام بلند پایه اتریشی است که به جرم ارسال ۳۰۰ میلیون دلار تسلیحات مختلف برای ایران تحت بازجویی قرار می گیرد. سه مقام بلند پایه دیگر اتریشی که تاکنون در مظان اتهام قرار گرفته اند عبارت از صدراعظم سابق و وزیران خارجه و کشور دولت اتریش می باشند.



دختر آلاچیز

اعلان جنگ علیه دستفروشان

بقیه از صفحه اول



در جستجوی لقمه نانی برای خود و خانواده شان به سوی مراکز شهری سرازیر شده اند و این در حالی است که بیش از ۳ درصد از جمعیت فعال روستائی کشور بدون احتساب کارگران فصلی بیکارند.

رشد سریع جمعیت که در حدود ۳/۹ درصد در سال اعلام شده در کنار هدم برنامه ریزی برای رشد اقتصادی - اجتماعی و امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی کشور و نبود یک برنامه صحیح برای کنترل این رشد با توجه به حقایق پیش گفته بر ابعاد فاجعه در چشم اندازی می افزاید.

در چنین اوضاع و احوالی که رژیم با آن روبروست، سردمداران حکومت هر روز به فکر "ریشه کن ساختن" یکی از

بلاهای اجتماعی در کشور می افتند. یک روز حلبی آبادها را بر سر مردم حاشیه نشین شهرها با بولدوزر و لودر خراب می کنند. روز دیگر به جمع آوری متکدیان شهری می پردازند. سپس در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مواد افیونی داد سخن می رانند و بر سر میادین شهرها و هر کوچه و بوزن چوبه دار بپامی سازند و صدها انسان را که قربانیان نظام موجودند در مقابل چشمان مردم بر سر دار آویزان میسازند تا انسانی را نظاره گر ناتوان مرگ انسان دیگر سازند. اردوگاه های کار دایر می کنند تا

ته مانده رمق قربانیان خود را بکشند و امروز هم رژیم با کبکبه و دبدبه فراوان از زیباسازی میادین و معابر شهرها برای ارائه حسن جمال خویش در نزد دیگران سخن می گوید و برای این منظور به از میان برداشتن آنچه که این "جمال" را می آید تصمیم گرفته می شود.

اینبار نیز قربانیان این "مبارزه" همان کسانی هستند که حکومت خانه خرابشان ساخته و آواره شان نموده است. اینها دهها و صدها هزار نفری هستند که بیکار و درمانده خانه و کاشانه و دیار خویش را برای بدست آوردن لقمه نانی رها کرده اند و به شهرهای بزرگ گریخته اند. کارگرانی هستند که بیکارشان ساخته اند و بعد از مکیدن شیر جانشان بی هیچ امید

می گذارند، و چنان فضایی در ذهن مسافری که به کشورشان وارد شده می سازند که هرگز آن مسافر تصور نخواهد کرد که شاید آن جامعه با کاستی ها و بحران های گوناگون مواجه باشد.

وی بعد از پرداختن به برخی مسائل در ارتباط با وجود دستفروشان می گوید: "... آن مسافر خارجی در برخورد اول با چه صحنه هایی برخورد خواهد کرد آیا با خود نخواهد گفت وارد یک جامعه بی انضباط و آشفته شده ام؟! آیا برآستی چه تصویری به او دست خواهد داد؟! و یا حداقل استنباط او از ظاهر شهر چه خواهد بود؟"

روزنامه کیهان سپس به ارائه راه حل می پردازد: "حالت شهرداری تهران بادر نظر گرفتن چنین مواردی باید بداند که موقعیت میدان آزادی به گونه ای است که برای حفظ آبروی تهران هم که شده باید از ظاهر آن شروع کند".

بدنبال همین گونه استدلال و راه حل هاست که مقامات حکومتی فرمان "جهاد مقدس" را صادر کردند.

اما ببینیم واقعیت در مورد این افراد که مرتکب گناه کبیره دستفروشی شده اند از خلال نوشته گزارشگر کیهان و اظهارات وی چگونه است؟ این گزارش در مورد یکی از این افراد می گوید: در یکی از کوچه های فرعی میدان انقلاب یک دست فروش که تعدادی شلوار خارجی بر روی شانه خود حمل می کند دیده می شود. شلوارها دوخت تزکیه و کره هستند. مرد دستفروش ۴۵ ساله به نظر می رسد، او حاضر به معرفی خود نیست. می پرسیم چرا دستفروشی می کند؟ میگوید چه کنم؟ از دیوار مردم بالا برم؟ می پرسیم مگر کسانی که دستفروشی نمی کنند از دیوار

مهاجنگی و همکاری کمیته انقلاب اسلامی، واحدهای پلیس تهران و اداره راهنمایی و رانندگی تهران و مراجع ذیصلاح قضایی اقدام همه جانبه و مشترکی را علیه سدکنندگان معابر شروع کردند. و بعد در ادامه فتوحات تشون و اسرای این جنگ می افزاید: "در اجراء طرح جمع آوری دستفروشان تاکنون بساط گروهی از آنها جمع آوری شده و تعدادی از سدکنندگان معابر نیز دستگیر و تحویل مقامات قضایی شدند که آمار نهایی آن بزودی اعلام خواهد شد" و اما وی درباره فنیمت های جنگی چه می گوید:

"بر اساس قانون مجازات اسلامی و قانون نظام صغفی اجناس فاسد شدنی مثل مواد غذایی، میوه و تره بار دستفروشان و طوافها توسط شهرداری حراج خواهد شد و وجوه آن به حساب توه قضاییه واریز می شود و سایر اقلام و اجناس نیز پس از تنظیم صورت جلسه به ائثار مناطق شهرداری منتقل می شود."

وی سر آخر در مصاحبه خود از مناطقی که در نتیجه این "جهاد مقدس" آزاد شده است و در نتیجه "پاکسازی" تشون یاد شده دیگر اکنون واقعا به جز "ام القرای انقلاب اسلامی" بدل شده می افزاید: "تاکنون خیابان های ولی عصر، انقلاب، امیر کبیر، ۱۷ شهریور، ۱۵ خرداد، شهید مصطفی خمینی و میادین انقلاب و امام حسین از وجود دستفروشان پاک شده است."

در همین ارتباط روزنامه کیهان نوشته است: در کشورهای جهان رسم است که مبادی ورودی شهرهای بزرگشان را با مجسمه، تهرمانهای ملی، مخترهان و مکتشفان خود تزئین میکنند. صنایع پیشرفته و تکنولوژی خود را به نمایش

آغاز سال تحصیلی و مشکلات محیط‌های آموزشی



مقتله گذشته ۱۴ میلیون دانش‌آموز و دانشجو با آغاز سال تحصیلی جدید رهسپار محیط‌های آموزشی کشور شدند. آموزش در ایران یکی از مهمترین عرصه‌هایی است که بعد از تسلط رژیم قرون وسطائی اسلامی بر میهن ما ضربات سنگینی دیده است. تلاش آخوندها برای نشان دادن خرافات به جای علوم و ترویج تراوشات اذهان و افکار عقب مانده شان به عنوان درس برنامه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها از طرفی، و از سوی دیگر گسترش جو خفقان و ایجاد شرایط غیر قابل تحمل در محیط‌های آموزشی، لطمات جبران ناپذیری به سیستم آموزش کشور وارد آورده است.

و اما این یک جنبه قضیه است. محدودیت امکانات و امکان آموزشی و تخصیص بودجه و امکانات آن به امور دیگر از قبیل گذاشتن بسیاری

آموزش و پرورش برای مدارس تعیین نموده حتی نصف مخارج مدرسه از قبیل نفت، آب و برق و گچ و... را تامین نمی‌کند. بعضی از مدارس با مشکلات ساختمانی و کمبود میز و نیمکت مواجه‌اند. مدیر یک مدرسه ابتدایی اظهار می‌کرد که "در کلاسهای ۳۰ نفره مجبور به ثبت نام ۶۰ نفر شده‌ایم. روی نیمکت‌های ۳ نفره ۵ نفر چپانده می‌شوند و با این حال عده‌ای مجبورند که روی زمین بنشینند. کیفیت آموزش در این چند سال به شکل فاجعه‌باری پایین آمده است. در منطقه ما، ۲ باب دبستان ابتدایی بوده که ۳ سال پیش سپاه یکی از آنها را اشغال نمود و تبدیل به پایگاه نظامی کرد. خانواده‌های محله تاکنون چندین بار به آموزش و پرورش مراجعه نموده‌اند که سپاه ساختمان را تخلیه نماید ولی تاکنون نتیجه‌ای نگرفته‌اند."

برخلاف اظهارات مسئولین آموزش و پرورش مبنی بر هدم دریافت شهریه از اولیای دانش‌آموزان بدون استثنای همه محصلین مبالغی تحت عناوین مختلف دریافت نموده‌اند که در بعضی جاها مثلاً در شمال شهر بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ ریال و در جنوب شهر حداقل ۲۰۰۰ ریال بوده است. این در حالی است که خانواده‌ها برای تهیه وسایل و مایحتاج دانش‌آموزان از بازار آزاد متحمل هزینه‌های گزاف نیز می‌شوند.

از ساختمان‌های مدارس در اختیار کمیته و سپاه و فیره آموزش کشور را با مشکلات و کمبودهای جدی مواجه ساخته است. اغلب مدارس ۲ شیفته و یا ۳ شیفته شده‌اند. در گفتگو با چند تن از مدیران مدارس، آنها اعلام کرده‌اند بودجه‌ای که

"مدرسه ما هم بدبختانه باز می‌شود"

چون به تنها چیزی که اهمیت نمی‌دهند درس است. مثلاً هنگامی که یک مسابقه قرآن ترتیب می‌دهند به برندگان مسابقه جوایز گرانقیمتی می‌دهند. اما به کسانی که در درس شاگرد اول می‌شوند هیچ جایزه‌ای نمی‌دهند و حتی آنان را در بین بچه‌ها معرفی هم نمی‌کنند.

در مدرسه ما به غیر از جاسوسی از چیز دیگر خبری نیست. ورزش و گردش و سرگرمی نداریم. مدارس دیگر در اینجا هزار و یک سرگرمی از قبیل موسیقی و ورزش دارند. هر کس بطریقی نماز نخواند، مخفیانه از نمراتش کم می‌کنند در عوض کسانی که جاسوسی و چاپلوسی می‌کنند شاگرد اول کلاس می‌شوند.

هنگام رفتن به مدرسه ریختن طوری است که دخترهای دیگر برای ماقبانه می‌گیرند. معلم‌ها ریختشان مثل ارواح است و به جای درس آیات قرآن بر ایمان می‌خوانند."

تسلط فرهنگ آخوندی بر مراکز آموزش، مرزهای میهن را در نوردیده و بر مدارس ایرانیان در خارج نیز سایه افکنده است. مراکز آموزش وابسته به جمهوری اسلامی در خارج در مقایرت با محیط سعی در تزریق "فرهنگ اسلامی" به ذهن دانش‌آموزان دارند. اما از آنجائیکه محیط جامعه در خارج بر خلاف جامعه ایران با ترهات گردانندگان این مراکز همخوانی ندارد، دانش‌آموزان این مدارس در تحصیل این وضع زجر بیشتری می‌کشند. نوشته‌ای را که در زیر می‌خوانید قسمت‌هایی از نامه دختر بچه‌ایست از یکی از کشورهای همجوار که در مدرسه ایرانیان تحصیل می‌کند:

"مدرسه ما هم بدبختانه باز می‌شود. منظورم از بدبختانه فرار از درس نیست، فرار از مدرسه ایرانی است. من از این مدرسه متنفرم

مشکل بیکاری در شهرها به عنوان هلال اساسی دستفروشی نامی می‌برد و می‌گوید تا زمانی که دولت برای حل این معضلات چاره‌جویی نکند، توفیقی در مقابله با دستفروشی نخواهد یافت."

و باید در تکمیل اظهارات این افراد اعلام کرد، تا زمانی که این حکومت وجود دارد جامعه ما قادر به پیشرفت در راستای حل اینگونه معضلات اجتماعی نخواهد بود و برای اینکه این معضلات حل گردد جامعه ما می‌بایست در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی یک تحول بنیادی را از سر بگذرانند. شرط مقدم برای اجرای این تحول سرنگونی این حکومت و برقراری یک دولت دمکراتیک و مستقل و پایبند به قانونیت و حفظ حقوق اجتماعی و فردی شهروندان کشور است.

باشند با ابراز نظرات خود بی‌پایگی و پوچی اقدامات سران حکومت را بیان می‌کنند و اجرای این طرح‌ها را مبارزه با مهلول می‌دانند و این همان چیزی است که رژیم طلیع‌زم هزاران مکر و ریای خود و قلم بدستانش قادر به پنهان کردن آن در نزد مردم کوچک و بزرگ نیست.

"... کارمند وزارت کشور می‌گوید: باید به موازات برخورد با دستفروشان با انجام اصلاحات و اقدامات هم‌رانی جلوی مهاجرت بی‌رویه روستائیان به شهرها گرفته شود.

یک دانشجو برخورد با دستفروشان را برخورد با مهلول می‌داند و معتقد است برای حل یک معضل اجتماعی همچون دستفروشی باید به هلال آن توجه کرد. وی از بیکاری روستائیان و هدم درآمد کافی آنان و همچنین

سدکنندگان معابر همومی نشان می‌دهد که آنها عمدتاً روستائیان هستند که در طول سالها و حتی ماه‌های اخیر به تهران مهاجرت کرده‌اند. برخی از آنها بیکاری در روستاها و هدم درآمد کافی را از جمله دلایل مهاجرت ذکر می‌کنند. در میان دستفروشان برخی از جوانان روستایی که با امید دستیابی به زندگی بهتر راهی تهران شده و در اثر مشکلات شهرنشینی باناکامی مواجه شده‌اند دیده می‌شوند.

در هر حال مطالب فوق گواهی از واقعیت زندگی صدها هزار انسانی است که گزارشگر کیهان به ناچار در گزارش خود منعکس ساخته است.

در همین گزارش مردمی که ظاهراً می‌بایست از این اقدام مقامات حکومتی مسرور شده

مردم بالا می‌روند؟ می‌گویند نه، ولی آنها یک شغلی دارند.

- یعنی شما حاضرید در ازای روزی ۲۰۰ تومان دست از دستفروشی بردارید؟

- شما فکر می‌کنید ما چقدر درآمد داریم؟

- حداقل چند برابر این میزان.

- ای بابا این خبرها هم نیست. من اگر بتوانم شکم ۵ سرهانه‌ام را سیر کنم کلاهم را هفت آسمان می‌اندام بالا.

و یاد گوشه‌ای از این گزارش گفته می‌شود:

"دستفروشان حامل فروش جنس‌های قاچاق، کمیاب یا نایاب هستند و در بساط آنها بدقول، معروف از شیر مرغ تا جان آدمیزاد یافت می‌شود. حیات ظاهری و لهجه دستفروشان و

برای حق تعیین سرنوشت، علیه ستم ملی

مروری بر پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بقیه از صفحه آخر

در چنین اوضاعی در ارتباط با هلاقی بسیار متنوع ملی یک برنامه مهم جانبی ارائه دهد، دشواری این امر همچنین ناشی از این واقعیت است که در حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز تنوع ملی وجود دارد و تعدادی از سازمان‌های حزبی جمهوری‌ها بسختی قادرند از کشش گرایش‌های ناسیونالیستی مصون بمانند. مهمترین اندیشه برنامه حزب در مورد مسئله ملی ضرورت دگرگونی رادیکال اتحاد فدراتیو موجود به یک فدراتیو حقیقی است.

همانطور که در برنامه مذکور تصریح شده است، هلیرشم آنکه در گذشته نیز اندیشه فدراتیو مبنای ساختمان ملی - دولتی اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل میداد اما این اندیشه همواره توسط طرح استالینی "خودمختاری" که استقلال ساختارهای ملی - دولتی را محدود میکرد، پس زده میشد. در برنامه ملی جدید حزب گفته میشود گرایش به دولت واحد بر خصلت سیستم بورکراتیک و دستوردهی مبتنی بود که به ساختارهای متمرکز و واحداحتیاج داشت و مطالبات تکامل ملی را مورد توجه قرار نمی داد.

به این ترتیب مسئله حق تعیین سرنوشت مجدداً به شکل نوینی مطرح شد. اما بقول گارباچف نباید انتظار حل یکباره مسئله را داشت بلکه برعکس "این یک روند بفرنج و چند جانبه است و تاکید بر ارزشهای ملی، تکامل زبان و فرهنگ، تحکیم حق تعیین سرنوشت سیاسی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را شامل می شود."

رو به سویین اتحاد شوروی و جمهوری‌ها، قابلیت‌ها و تعهدات متقابل باید ابتدا به درستی تشریح شوند و در این خصوص باید به لحاظ اصولی، خود جمهوری‌ها در باره مسائل مربوط به خود تصمیم بگیرند مگر در مواردی که "خود داوطلبانه آن را به اختیار اتحاد شوروی وامی گذارند."

این امر به لحاظ اقتصادی قبل از هر چیز به معنای دگرگونی اندیشه حساب رسی اقتصاد است که جمهوری‌ها را به واحدهای اقتصادی نسبتاً مستقل تبدیل می کند. در این ارتباط در برنامه

هنوان می شود که جمهوری‌های شوروی باید حق تعلق و اختیار زمین و ثروت‌های زمینی را داشته باشند. اما اتحاد شوروی نیز باید حق داشته باشد پایه‌های همومی استفاده از آنها را تعیین کند. این فرمول از هر نظر قابل تفسیر و تعبیر است.

گرایش به دولت واحد، در حیطه زبان و فرهنگ، بر گرایش‌های روسی کردن زبان و فرهنگ‌های ملی منطبق بود. نتیجه چنین گرایشی تنزل برخی زبان‌های ملی به مقام لجه‌های محلی بود. در واکنش به گرایش فوق، خواست ارتقاء زبان ملی به مقام یک زبان دولتی بوجود آمد. در برنامه حزب در این خصوص هنوان می شود ضرورت برسیمت شناختن رسمی زبان‌های دولتی را باید خود جمهوری‌ها تعیین کنند.

گارباجف قاطعانه علیه فدرالیزه شدن حزب کمونیست اتحاد شوروی، یعنی حل شدن این حزب در اجزای خود، سخن گفت. حل مسائل ملی نیز منوط به دگرگونی مجموعه حزب است. این دگرگونی قرار است در کنگره حزب که در پاییز سال ۱۹۹۰ برگزار خواهد شد تأمین شود. به نظر گارباجف حزب با شتاب پرسترویکا همراهی نمی کند. بنا بر این تجدید سازمان حزب همانقدر ضروریست که "وحدت ایدئولوژیک بر اساس پرسترویکا" او تقابل خود با نیروهای محافظه کار درون حزب را با اعلام اینکه در بهار سال آتی طرح برنامه و اساسنامه نوین حزب، که "روح دوران انقلابی ما" را منعکس خواهد کرد، پیوند داد.

پلنوم کمیته مرکزی هلیرشم آمادگی خود برای کسب وحدت نظر، خود از اختلافات ملی مبرا نبود. برخی کوشش‌ها جهت اتخاذ مواضعی که منافع ملی همومی را در بر گیرد، با منافع ملی ویژه تصادم می کرد. تلاش‌هایی که برای تقسیم حزب کمونیست اتحاد شوروی به اجزای ملی خود صورت گرفت، واقعیت مذکور را منعکس می کند.

در برنامه ملی که از تصویب پلنوم گذشت، تقسیم حزب بر مبنای ملیت‌ها به لحاظ اصولی قبی

قابل پذیرش عنوان شد. اکثریت سخنرانان علیه فدرالیزه شدن حزب موضع گرفتند. نمایندگان جمهوری‌های کرانه بالتیک خلاف این نظر را داشتند. به عنوان نمونه، براتساوکاس، رهبر حزب کمونیست لیتوانی، هنوان کرد اساسنامه سازمان‌های حزبی جمهوری‌ها به مثابه اجزای حزب کمونیست اتحاد شوروی، بر وضعیت حقوقی جمهوری‌ها که بر حق حاکمیت ملی استوار است، منطبق نیست. او به همین خاطر به گرایش‌هایی که خواهان سازمان‌های حزبی مستقل با اساسنامه و برنامه مربوط به خود می باشند، اظهار تمایل کرد. او گفت سازمان‌های حزبی جمهوری‌ها دیگر نباید نقش اجرا کننده دستورات مرکزی مسکو را ایفا کنند.

ولاس، دبیر اول حزب کمونیست استونی، خود را میان دو جبهه می بیند. او گفت نباید فقط یک روی افراط‌گرایی را که هبارت از ناسیونالیسم بورژوایی باشد مورد حمله قرار داد بلکه با روی دیگر آن نیز - منظور جبهه داخلی و کارگران روس زبانیست که علیه "قوانین مربوط به بیگانگان" اعتصاب می کنند - مبارزه کرد. او می خواهد چرخ تاریخ را ۵۰ سال به عقب، به دوران جمهوری بورژوایی برگرداند و دو می‌ها ۴۰ سال به عقب، به دوران "سوسیالیسم اردوگاهی" استالینی.

نمایندگان جمهوری‌های کرانه بالتیک نیز به مانند سخنگویان سایر جمهوری‌ها تلاش کردند منافع ملی خود را در مجموعه سیاست حزب وارد کنند. در همین حال گرایش دوری از خط حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز به چشم می خورد. این امر قبل از هر چیز ناشی از فشاریست که "جبهه‌های خلق" بر سازمان‌های حزبی اعمال می کنند. لازم به یادآوری است که اندیشه تشکیل جبهه‌های خلق را خود گارباجف در کنفرانس ۱۹ حزب مطرح کرد. اما او تصور می کرد حزب در پیشاپیش آنها حرکت خواهد کرد. بعلاوه ایجاد سازمان‌های توده‌ای با این امد پیوند داشت که بر بخش‌های محافظه کار حزب "فشار از چپ"

اعمال شود. اما فشار از راست، از سوی جنبش آرمان خواهانه بورژوایی، اعمال شد.

اوضاع ناگورنی کاراباخ لاعلاج به نظر می آید. در آنجا دو ناسیونالیسم آشتی ناپذیر در برابر هم ایستاده اند. هر دوی آنها خود را به شکل جبهه‌های خلق متشکل کردند. هلیرشم "آشتی ناپذیری" ارمنی - آذربایجانی، شعارها یکسان اند: علیه روس‌ها، علیه "تحصیلات شوروی" و قیره. پلنوم بجز فراخوانی به رهبران و زحمتکشان آذربایجانی و ارمنی، مبنی بر اینکه "دست نگاه دارند و درک کنند که تداوم شورش و

منازعه هواقب فاجعه باری برای هر دو خلق، که صدها سال در کنار یکدیگر زیسته اند و خواهند زیست"، در بر خواهد داشت، کار دیگری برای حل درگیری نتوانست انجام دهد.

بخش بزرگی از تقصیری تردید بر دوش رهبری حزبی و دولتی هر دو جمهوری سنگینی می کند که بدون انصاف، نظرگاه ملی خود را نمایندگی می کنند و به همین خاطر قادر نیستند نقشی هماهنگ کننده ایفا نمایند. حوادث دره فرغانه نشان میدهد که ریشه‌های تشنجات ملی اغلب در حیطه مشکلات اجتماعی اقتصادی نهفته است. نارضایتی اجتماعی به عرصه مناسبات بین ملت‌ها منتقل می شود و خود را در اشکال اعتراض اجتماعی که قلب ماهیت یافته است نمایان می کند. اینکه این "جنبش‌ها" خود انگیزه‌اند یا نه، قابل بحث است. مسلماً این هواداران پرسترویکا نیستند که در منازعات تلخ ملی راه نجات خود را می جویند.

مبارزه برای پرسترویکا در کنار سایر اشکال، اشکال ملی نیز کسب کرده است. روند دگرگون سازی، خود آگاهی ملی را ارتقاء داد. ملیت‌ها تحکیم می یابند. این امر مسلماً ناسیونالیسم را به مثابه آفت جنبش دگرگون سازی تقویت می کند. در جمهوری‌های کرانه بالتیک اندیشه بورژوایی ملت رستاخیز خود را جشن گرفت، در نقاط دیگر دشمنان نوسازی در پشت روابط سنتی بین ملل سنگر می گیرند.

پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی احیای اندیشه لنینی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است: برای حق تعیین سرنوشت، علیه ستم ملی.



در مطبوعات شوروی چاپ استاد جدید درباره اشخاصی که اسامی شان در طول دهه‌ها بعنوان "دشمنان خلق" از تاریخ اتحاد شوروی حذف شده بود، ادامه دارد. "اسپوتنیک" تاکنون درباره نیکولای بوخارین، الکسی ریکوف و دیگران نوشته است.

در این شماره "اکثریت" ما سرگذشت کامنف را که در نشریه "اسپوتنیک" به چاپ رسیده است، درج می‌کنیم.

تراژدی کامنف

"اسپوتنیک" - شماره ۹ سپتامبر ۱۹۸۹

در سال ۱۹۵۱ لو وارد دانشکده حقوق دانشگاه مسکو شد. اما در سال ۱۹۵۲ به علت شرکت در اعتراضات دانشجویی دستگیر گردید، به زندان افتاد و سپس به تبعید فرستاده شد (تا سال ۱۹۱۷، او جمعاً بار دستگیری راپشت سر گذاشت). انقلابی جوان از تبعیدگاه فرار کرد و به پاریس، جایی که بعدها با لنین آشنا گشت، پناهنده شد.

از آن لحظه تا مرگ لنین (۱۹۲۴) کار مشترک و معاشرت نزدیک آن دو را با هم مرتبط می‌ساخت. هنگامی که لنین به علت تعقیب دولت موقت بورژوازی - که فوریه سال ۱۹۱۷ قدرت را در روسیه بدست آورد - مخفی گشته بود، برای چاپ اثر خود که بعدها نام "دولت و انقلاب" را گرفت، تنها به کامنف مراجعه نمود. در زمان بیماری نیز لنین، آرشیه خود را تنها در اختیار کامنف نهاد. آخرین گفتگوی طولانی در مورد تقسیم مسئولیت‌ها در دولت را، با او و دو معاون دیگرش صورت داد...

اما میان لنین و کامنف اختلاف نظرهای جدی نیز وجود داشت. این اختلافات در زمان مهاجرت آغاز شد و بویژه در دوره قبل از اکتبر، زمانی که مسئله بودن یا

در ۱۹ اوت سال ۱۹۳۶ در مسکو، اولین محاکمه سیاسی هلنی در اتحاد شوروی آغاز گشت. ۱۶ متهم - اکثرآ مسئولین سابق حزبی و دولتی - و نیز در میان آنان، لوکامنف - یکی از رهبران حزب بلشویک، معاون لنین در اولین ترکیب دولت شوروی ...

در بیوگرافی سیاسی این شخص، خطاها و اشتباهات کم نبودند. ولی آیا این خطاها چنان بود که او مستوجب اشد مجازات، یعنی تیرباران، که در ۲۴ اوت همان سال (۱۹۳۶ - م) توسط دادگاه عالی اتحاد شوروی بدان محکوم شد، باشد؟

اتفاق و اختلاف نظر با لنین
لوروزنفلد (کامنف، نام مستعار حزبی او بود) در ۱۸ ژوئن سال ۱۸۸۳ در خانواده‌ای نسبت به زمان خود تحصیل کرده، بدینا آمد. پدرش که بعنوان مهندس در راه آهن کار می‌کرد، دانشگاه تکنولوژی پترربورگ را به پایان رسانیده بود. مادر، معلم سرخانه دوره‌های بستوزفسکی بود که هملا تنها موسسات آموزش عالی در روسیه آن زمان بودند که زنان را می‌پذیرفتند. والدین، اولین فرزند را به افتخار تولستوی، نویسنده بزرگ روس، "لو" نامیدند.

بودن انقلاب سوسیالیستی در روسیه مورد بحث بود، تشدید گردید. در کنفرانس حزبی آوریل (سال ۱۹۱۷) لوکامنف به همراه تعدادی از بلشویک‌های قدیمی علیه سمت‌گیری لنین به سوی انقلاب سوسیالیستی در روسیه سخنرانی کرد.

ولی هنگامی که گروهی از نمایندگان کنفرانس کوشیدند بر این اساس کاندیداتوری کامنف برای عضویت در کمیته مرکزی را رد کنند، لنین مخالفت کرد.

"- این که ما با کامنف بحث می‌کنیم، تنها نتایج مثبت در بردارد. حضور رفیق کامنف (در کمیته مرکزی - هیئت تحریریه) بسیار مهم است... پس از اینکه با دشواری او را متقاعد می‌کنی، متوجه می‌شوی که با همین کار، دشواری‌هایی را که در بین مردم بروز خواهند کرد، از میان برداشته‌ای."

لیکن پس از شش ماه لنین درخواست نمود که لوکامنف و هم نظر او گریگوری زینوویف از حزب اخراج شوند.

در جلسات کمیته مرکزی که در روزهای دهم و شانزدهم اکتبر بصورت مخفی برگزار شد، آنها علیه قیام مسلحانه، که سرآغاز انقلاب سوسیالیستی در کشور گشت، سخنرانی کردند. کامنف و زینوویف مخالفت خود را در روزنامه هلنی منشویکی "نواپازیرن" انتشار دادند و بدین وسیله، موعده وقوع قیام را که مخفی نگهداشته شده بود، فاش نمودند.

به دلیل این خیانت، بود که لنین درخواست کرد، آنها از حزب اخراج شوند. اما اکثریت اعضای کمیته مرکزی (از جمله استالین)، تصمیم دیگری گرفتند و هر دوی آنان در حزب ماندند.

کامنف که به ترکیب اولین دولت شوروی راه یافته بود، در نوامبر سال ۱۹۱۷ به هلاکت اعتراض نسبت به اینکه نمایندگان اس - ارها و منشویک‌ها، احزابی که نسبت به بلشویک‌ها مواضع خصمانه داشتند، به حکومت راه داده نشدند، از آن ترکیب استعفا داد و حتی از کمیته مرکزی خارج شد. اما او بزودی تصمیم خود را اشتباه دانست و در این باره نامه‌ای به کمیته مرکزی نوشت و هنگامی که در مارس سال ۱۹۱۹، هیئت سیاسی - بالاترین ارگان حزب - تشکیل شد، او به همراه لنین بدان راه یافت و تا سال ۱۹۲۶ در

ترکیب آن باقی ماند. طرف‌دار و مخالف استالین لوکامنف در آخرین تبعید به سبیری با استالین آشنایی نزدیک یافت. هردو با انقلاب (بورژوازی) فوریه سال ۱۹۱۷ از آنجا آزد شدند و در یک قطار به مسکو بازگشتند. حمایتی که استالین هنگام وجود خطر اخراج کامنف از حزب، از او به عمل آورد، این نزدیکی را قوت بخشید.

کامنف نیز بنوبه خود، نامه نادژدا کروپسکایا، همسر لنین را، که او طی آن خواهش کرده بود که او را از خشونت استالین مصون دارند، به جریان نینداخت. استالین به ناروا شایع نموده بود که در زمان بیماری لنین، کروپسکایا متن بیانات او را تنظیم می‌کرده است.

پس از مرگ لنین، لوکامنف فعالانه به هدم طرح وسیع وصیت‌نامه رهبر یاری نمود. در وصیت‌نامه، انتقاداتی نسبت به رهبران حزبی (از جمله خود کامنف)، که طبق پیش‌بینی لنین، مبارزه قدرت میان آنان گسترش می‌یافت، صورت گرفته بود.

کامنف در جلوگیری از تحقق خواسته لنین، مبنی بر برکناری استالین از پست دبیر کلی نیز مستقیماً دست داشت.

اتحاد سیاسی کامنف با استالین دیری نپایید. پس از آنکه آنها با همکاری مشترک موفق شدند تروتسکی را در مبارزه بخاطر قدرت شکست دهند، استالین جدایی از دو یار قبلی خود، کامنف و زینوویف را به سود خود دید. در هیئت سیاسی و کمیته مرکزی رای دادن به اینکه آنها قدرت را در حزب قبضه نموده‌اند، آغاز گشت.

آنگاه متحدین سابق استالین که حاضر نبودند در سایه سیاسی قرار گیرند، به مبارزه با او پرداختند. در کنگره چهاردهم حزب در سال ۱۹۲۵ لوکامنف هلنا اعلام کرد: "من اطمینان حاصل کرده‌ام که رفیق استالین نمی‌تواند نقش متحد کننده ستاد بلشویکی را ایفا کند..."

تند نویسی صورت جلسات کنگره تصویر می‌کند که به محض ادای این کلمات، هیاهو به پاخاست:

اینطور نیست! چرند است! آها، پس قضیه این بود! دستتان روشد! ما مواضع مسلط را به شما نمی‌دهیم! به استالین می‌دهیم! به استالین!

نامیبیا :

انتخابات در آخرین مستعمره در آفریقا

سیاست دیکراتیک ممانعت بعمل آمد و در جنگ ستمگرانه و خونین علیه سواپو فضایی مبتنی بر پیش‌داوری و بدبینی در میان سفیدپوستان این کشور ایجاد گردید. حتی اکنون که دیگر استقلال نامیبیا برای رژیم پرتوریا غیر قابل ممانعت است، شعار این رژیم هبارت از "جلوگیری از پیروزی سواپو در انتخابات با همه وسایل ممکن" می‌باشد. بطور خلاصه، هدف آن است که سواپو به هنگام تدوین قانون اساسی جدید به ائتلاف با یک حزب مورد حمایت پرتوریا مجبور شود.

روش پیشبرد این سیاست قبل از ورود واحدهای کنترل سازمان ملل، ترساندن برنامه‌ریزی شده اهالی بود و اکنون بعد از استقرار این واحدها، هدف گسترش کارزار تبلیغاتی علیه سواپو می‌باشد.

احمال تروریستی گروه موسوم به "گرگ‌های سفید" که در آفریقای جنوبی نیز با تهدید و اقدام به قتل قدم به عرصه گذاشته است، یکی از جلوه‌های همین سیاست است.

یکی از مسئولان این گروه بنام "بارن داستردیوم" که سابقاً پلیس بوده، در سال گذشته چندین سیاه‌پوست را در روز روشن در خیابان به قتل رسانده است.

این پیام‌آوران مرگ که مورد حمایت دستگاه امنیت آفریقای جنوبی هستند سیاست آتی پرتوریا در برابر نامیبیا را روشن می‌کنند.

حضور واحدهای سازمان ملل متحد در نامیبیا و جلب توجه بین‌المللی بدان، منجر شده که سیاست ترساندن آشکار اهالی و اذیت و آزار آنها به وسیله حاکمان کنونی، به شکست بیانجامد. رژیم پرتوریا خواه ناخواه قادر به ممانعت روند استقلال نامیبیا نخواهد بود اما قادر است مشکلات داخلی این کشور را تشدید کند و مناسبات دوجانبه آتی دو دولت را متشنج سازد.

همانگونه که در شماره‌های گذشته اکثریت گزارش کردیم، سام نجوما، رهبر جنبش آزادیبخش نامیبیا (سواپو)، پس از سه دهه تبعید به کشور خود بازگشت. او در آخرین فرصتی که برای ثبت نام جهت انتخابات ۶ نوامبر امسال باقی مانده بود در فرودگاه ویندهوک، پایتخت نامیبیا، فرود آمد.

بازگشت نجوما و انجام انتخابات قدمی است در راه هادی سازی اوضاع در نامیبیا در سالی که به قول روزنامه لوموند سال گذار از حاکمیت استعماری آفریقای جنوبی به آزادی است.

اما این سکه روی دیگری نیز دارد: بازگشت نجوما مقارن است با قتل آنتون لوبونفسکی، وکیل مدافع و محبوب‌ترین عضو سفید پوست رهبری جنبش آزادیبخش نامیبیا که توسط گروه تروریستی نژادپرست "گرگ‌های سفید" صورت گرفت. شعارهایی که بر در دیوار پایتخت به چشم می‌خورد، نجوما را هم به دچار شدن به همین سرنوشت تهدید می‌کند. این رخدادها نشان می‌دهند که روند استقلال نامیبیا در آستانه انتخابات، هنوز چقدر دشوار است.

مسئول این اوضاع در درجه اول سیاست نژادپرستانه و استعماری آفریقای جنوبی است. دهها سال از پیشبرد هرگونه

خود افشاگری‌هایشان غیر حقیقی‌تر باشد، سریعتر کسانی نسبت به صحت چنین "اظهاراتی" تردید پیدا می‌کنند. اما کسی پیدا نشد که مشکوک شود. نه در میان قضا و نه در میان کسانی که گزارش آن محاکمات و امثال آن را می‌خواندند. اما آخر خود این متهمین و نزدیکان آنان نیز بنوبه خود هر دروفی را باور می‌کردند...

بر اساس اسناد روزنامه‌ها و مجلات شوروی - باز نویسی توسط لاریس بارانوا

انتقام از "دشمنان خلق" بخاطر قتل این شخصیت سیاسی، موج سرکوب در کشور پیا شد. از اولین کسانی که قربانی این انتقام شدند، رهبران نادم اپوزیسیون های قبلی استالین بودند. شب ۱۶ دسامبر، اتومبیل کمیساریای خلق در امور داخلی وارد کوچه کارمانیتسکی مسکو، که در آن زمان کامنف در آنجا زندگی می‌کرد، شد...

در ژانویه سال ۱۹۳۵، باز هم او در نقش متهم ظاهر شد. اثبات دست داشتن او در قتل کیروف میسر نشد. ولی بهر حال حکم صادر شد: پنج سال حبس.

در سال ۱۹۳۶ لوکامنف مجدداً در مقابل دادگاه ایستاد - سومین بار در طی سه سال.

این بار در جریان محاکمه که پنج روز بزرگتر از اکتشید، متهمین، از جمله کامنف، به تفصیل از نقش خود در قتل کیروف و از اینکه قصد داشتند استالین و شخصیت‌های سیاسی نزدیک به او را به قتل برسانند، سخن گفتند. تمامی اتهامات بر اظهاراتی این چنین، که به عنوان مدرک صدور حکم اعدام نیز بکار گرفته شده، مبتنی بود.

چرا آنان اعتراف کردند؟ این سوال، محققین امروزی را نیز به تفکر وامی‌دارد. در این باره فرضیات گوناگونی وجود دارد. یکی از متداول‌ترین نظرات این است که: متهمین با اعتراف خود، قصد داشتند حداقل، زندگی افراد خانواده خود را نجات دهند. لیکن آنها نمی‌توانستند ندانند که ۳۰ مارس سال ۱۹۳۵ تانوان مجازات افراد خانواده خائنین به وطن تصویب شد. حکم از تاریخ ۱۷ آوریل همان سال مجاز دانست که حتی کودکان بالای ۱۲ سال تحت پیگرد جزائی قرار گیرند.

امید داشتن به اینکه جلادان از توانین جدید که دستشان را باز می‌گذاشت، استفاده نمی‌کنند، نهایت ساده لوحی بود و به هزل فراوان، متهمین که اکثراً در گذشته اشخاصی بودند با تجربه "سیاست بزرگ"، از ساده لوحی بکنار بودند.

روایت دیگری، موثق تر به نظر می‌رسد. بازجویی‌های پی در پی و اعمال بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها (امروزه افراد معدودی که تاب جهنم سلول‌های انفرادی بازجویی استالین را آوردند، در این باره مطلب می‌نویسند)، اراده متهمین را درهم شکسته است. امید آنها تنها به این بود که هر چه

پس از این سخنرانی اتوریته کامنف به نحو چشم‌گیری کاهش یافت. اکثر حزبیان به خوبی متوجه شدند که چگونه او سابقاً از استالین حمایت می‌کرد و ناگهان به او "حمله ور شد". این به حساب سیاست بازی گذاشته شده. هنگامی که در سال ۱۹۲۷-۱۹۲۶ کامنف و زینوویف به قصد استحکام مواضع خود با تروتسکی، کسی که اندکی قبل آماج حمله آنها بود، متحد شدند، احترام و اعتماد رفقا را در حزب کاملاً از دست دادند.

۱۲ نوامبر سال ۱۹۲۷، کامنف را از ترکیب کمیته مرکزی، و در دسامبر (همان سال)، در کنگره پانزدهم، از حزب اخراج کردند. اعتراف و محکومیت

در سال ۱۹۲۸، لوکامنف در نامه‌ای خطاب به کمیته مرکزی، سخنرانی خود علیه استالین و اتحاد با تروتسکی را اشتباه خواند. او را دوباره به حزب بازگرداندند. لیکن، او دیگر برای همیشه از سیاست بزرگ دور شد. انتشارات "آکادمی" را اداره کرد، اولین مدیر دانشگاه ادبیات جهانی در مسکو بود و به فعالیت‌های خود در دوره قبل از انقلاب، در باره تاریخ تنکرات اجتماعی در روسیه بازگشت. سری کتاب‌های "حیات شخصیت‌های ممتاز" که امروزه نیز در ردیف پر خواننده‌ترین کتب در اتحاد شوروی می‌باشد، به دست او نگاشته شده است.

در روزنامه‌ها و مجلات وقت شوروی، گاه‌گاه مقالاتی با امضای لوکامنف به چشم می‌خوردند. از جمله آنان مطالبی نیز به افتخار استالین بودند، اما نویسنده‌شان را از تعقیب دیکتاتور مصون نداشتند.

در سال ۱۹۳۲ کامنف را در رابطه با قضیه میخائیل ریوتین - رهبر گروه‌بندی ضد استالینی درون حزبی که در اوایل سال‌های ۳۰ شکل گرفت - دستگیر کردند. در ارگان‌های کمیساریای خلق در امور داخلی دلایل کافی علیه کامنف یافت نشد. ولی مجدداً او را از حزب اخراج و از پایتخت تبعید نمودند.

در سال ۱۹۳۳ در نتیجه یاری سرگی کیروف - شخصیت سیاسی برجسته، که در آن سالها تشکیلات حزبی لنینگراد را رهبری می‌کرد - کامنف را بار دیگر به حزب بازگرداندند. او به مسکو بازگشت، لیکن آزادیبخش‌ها از اکتشید، اول دسامبر سال ۱۹۳۴ کیروف به قتل رسید. تحت نام

آینده حزب متحده کارگری لهستان

آخرین سر باز ویتنامی

بقیه از صفحه آخر

پرز دکویار، دبیر کل سازمان ملل متحد، تقاضا کرد کمیسیونی جهت کنترل و نظارت بر خروج واحدهای نظامی ویتنامی به کامبوج اعزام کند.

حکومت کامبوج اکنون باید به تنهایی علیه واحدهای موسوم به "اتحاد مقاومت" به رهبری شاهزاده نور دوم سیهانوک پایداری کند. پایان جنگ داخلی در چشم انداز نزدیک نیست زیرا کوششهایی که تا بحال در جهت حصول صلح انجام شده به نتیجه مطلوب نرسیده است.

هون سن، مقدم ترین وظیفه را دفع هجوم "اتحاد مقاومت" اعلام کرد. مقامات ارتشی وضعیت نظامی را ویژه در فرب کامبوج متشنج تصویر کردند. برای حفظ توازن، میلیشیای خلقی، نیروهای ذخیره و واحدهای منظم، جهت جبران خلا ناشی از خروج نیروهای ویتنامی جایگزین خواهند شد. خمرهای سرخ در منطقه مرز ویتنام - تایلند حملات خود را علیه واحدهای دولتی تشدید کرده اند. آنها اعلام کردند جنگ را علیه "مهاجمین ویتنامی" تداوم خواهند داد.

دولت ویتنام خواهان نظارت بین المللی بر خروج نیروهای نظامی خود، ایجاد آتش بس و توقف صدور سلاح به نیروهای مخاصم است. در حالی که چین، متحد اصلی ائتلاف ضد دولتی، سکوت کرده است، اتحاد شوروی از خروج واحدهای نظامی ویتنام استقبال نمود.

قاعده تاکنون باید قدرت های خارجی صدور اسلحه را متوقف کنند و به این ترتیب به پیشرفت روند صلح مساعدت نمایند. اما چین می خواهد کماکان خمرهای سرخ را مورد حمایت قرار دهد.

دولت ویتنام هلیرقم هدم حصول توافق در امر صلح تصمیم گرفت به حضور نظامی خود در کامبوج پایان دهد. تلاش های صلح، در کنفرانس بین المللی کامبوج، که در ماه اوت در پاریس برگزار شد، با شکست مواجه شد. هلت شکست کنفرانس، اختلاف پیرامون نقش آتی خمرهای سرخ بود. خمرهای سرخ در هنگام حکومت وحشت خود میلیونها نفر از مردم کامبوج را به قتل رساندند. دولت کامبوج تقاضای "اتحاد مقاومت" مبنی بر مشارکت خمرهای سرخ در حکومت موقت را رد کرده است.

"حزب دمکراتیک مدرن چپهای لهستان" تاکید کردند آنها تصریح کردند که وحدت حزب کمونیست لهستان ضروریست، "اما نه به هر قیمتی".

راکوفسکی ابراز نگرانی کرد که حزب متحده کارگری در هر ض ۴ ماه آتی به ۳ الی ۴ حزب چپ تقسیم شود. به عقیده او در آن صورت هیچ کدام از این احزاب اهمیت چندانی نخواهند داشت و "ما باید صحنه سیاسی کشور را به عنوان یک نظام برای همیشه ترک کنیم". وی گفت این نه نقطه به معنای تغییر سیستم سیاسی بلکه مجموعه نظام اجتماعی در لهستان خواهد بود.

نشست کمیته مرکزی حزب متحده کارگری که قرار بود در روز شنبه برگزار شود به روز سه شنبه این هفته موکول شده است. سخنگوی این حزب هلت تهویق پلنوم را ادامه مباحثات سازمان های حزبی پیرامون سر نوشت حزب عنوان کرد.

مجارستان :

آزادی نامحدود و مسافرت

پارلمان مجارستان در روز سه شنبه ۲۶ سپتامبر قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن همه اتباع این کشور آزادی نامحدود مسافرت و مجاری های در تبعید امکان بازگشت به موطن خود را خواهند داشت. هوروات، وزیر کشور مجارستان گفت به این ترتیب مجارستان تعهداتی را که با امضای اعلامیه همومی حقوق بشر همده دار شده اجرا خواهد گذاشت. هوروات افزود دولت معتقد به آزادی مردم در تعیین مکان زندگی خود می باشد. جمهوری دمکراتیک آلمان نیز اعلام کرد به همه کسانی که در سفارت آلمان فدرال در لهستان و چکسلواکی پناه جسته اند، پس از بازگشت بد کشور خود، اجازه خروج از کشور خواهد داد. تاکنون افرادی که در سفارت آلمان فدرال در برلن شرقی بسر می بردند اجازه خروج از کشور را یافته اند و تعداد کثیری از آنها به آلمان فریبی سفر کرده اند.

شد و نام دیگری برای خود بر خواهد گزید. در رابطه با نام، حدود ۲۰ پیشنهاد موجود است. راکوفسکی افزود حزب با ساختار و طرز تفکر کنونی خود قادر به هیچ گونه موفقیتی نخواهد بود و دگرگونی آن فیر قابل اجتناب است.

تعدادی از کادرهای حزب طی نشست در دانشگاه ورشو بر ضرورت تبدیل جنبش کنونی به یک

"جرج بوشر رهبر اپوزیسیون نیکار اگوئه"

نیکار اگوئه به تکاپو افتاده است. این دولت که سالها علیه حکومت ساندینیست از شورشیان کنتر حمایت می کرد اکنون به اپوزیسیون که خام ویولناچامورو را برای انتخابات ماه فوریه کاندیدا کرده متکی شده است.

به گفته دانیل اورتگا، رهبر واقعی کارزار انتخاباتی اپوزیسیون محافظه کار جرج بوشر میباشد. در انتخابات ریاست جمهوری البته یک "اپوزیسیون مصنوعی" شرکت میکند اما "اپوزیسیون واقعی" دولت ایالات متحده آمریکاست.

میچسلاو راکوفسکی، رهبر حزب متحده کارگری لهستان، اظهار داشت این حزب در شکل کنونی خود بزودی از بین می رود. این سخنان در یک اجلاس حزبی در کراکاو ادا شد. راکوفسکی گفت فکر می کند کنگره آتی حزب متحده کارگری آخرین کنگره این حزب خواهد بود. به هنگام کنگره یازدهم در ماه فوریه ۱۹۹۰ یک سازمان سیاسی نوین ایجاد خواهد

اورتگا :

همانگونه که پیش بینی می شد ساندینیست ها دانیل اورتگا را برای انتخابات ۲۵ نوامبر، به عنوان کاندیدای خود معرفی کردند. اورتگا طی سخنانی در برابر ۵۰۰۰ نفر از هواداران خود، پیروزی کامل ساندینیست ها در انتخابات را پیش بینی کرد. او گفت آنگاه دیگر آمریکا هیچ گونه بهانه ای برای حمله به نیکار اگوئه نخواهد داشت. وی افزود "ما پس از پیروزی بر کنتر، یانکیها را نیز در انتخابات ۲۵ فوریه شکست خواهیم داد".

دولت ایالات متحده اکنون برای کمک به اپوزیسیون محافظه کار

تشدید فعالیت های نظامی انقلابیون السالوادور



سازمان آزادیبخش ملی فارابوندومارتی در ۱۴ ایالت السالوادور عملیات مسلحانه خود را، که به طور موقت متوقف شده بود، از سر گرفت. به اظهار فرستنده "راديو ون سرموس" بیش از ۹۰۰ سر باز در این عملیات کشته شدند و ۴ هواپیمای نظامی و یک فرودگاه ارتشی نابود گشتند. سازمان آزادیبخش ملی فارابوندومارتی هلت آغاز حملات مسلحانه خود را اعمال سرکوبگرانه حکومت ذکر کرد. حکومت دست راستی پرزیدنت کریستیانی بر خلاف گفتگوها و توافقاتی که اخیرا با نیروهای انقلابی در مکزیک صورت گرفت فشار سرکوبگرانه خود علیه مردم را ادامه داده است. فقط در هفته گذشته بیش از ۱۰۰ عضو سندیکای کارگری و نمایندگان سازمان های حقوق بشر به وسیله دولت دستگیر شدند.

افزایش سقف تولید نفت خام "اوپک"

گفته می شود کویت و امارات متحده عربی و همچنین ایران از جمله کشورهایی بوده اند که سهمیه تعیین شده از سوی "اوپک" را رعایت نکرده و به فروش بیش از سقف تعیین شده و به قیمتی کمتر از بهای مورد توافق پرداخته اند.

در حال حاضر هلیرفم تناسب میان عرضه و تقاضای نفت در بازارهای جهانی، میانگین بهای این فرآورده رقمی بیش از یک دلار کمتر از نرخ رسمی "اوپک" را نشان می دهد و از این بابت کشورهای صادر کننده نفت رقم قابل توجهی را متضرر شده اند. در این میان کشورهای فقیرتر این سازمان لطمات مالی شدیدی را متحمل گردیده اند.

"آغازده" وزیر نفت حکومت اسلامی در ارتباط با افزایش سقف تولید "اوپک" اعلام کرد که بقیه در صفحه ۵

در پی نشست هفته گذشته ۱۳ کشور صادر کننده نفت "اوپک" در ژنو، این کشورها توافق کردند که سقف تولید نفت خام "اوپک" در سه ماهه آخر سال جاری میلادی روزانه به ۲۵/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. سقف قبلی تولید نفت "اوپک" ۱۹/۵ میلیون بشکه در روز مقرر شده بود.

بر پایه تصمیم اخیر، افزایش سقف تولید نفت این سازمان متناسب با سهمیه کنونی اعضا آن تقسیم خواهد شد.

اجلاس اخیر وزرای نفت "اوپک" در ژنو، بدنبال بی اهنمایی بعضی از اعضای این سازمان نسبت به رعایت سهمیه های تولید خود و فروش نفت کمتر از سطح رسمی آن یعنی ۱۸ دلار در هر بشکه و اعتراض کشورهای فقیرتر عضو این سازمان به برخی کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس صورت گرفت.



یک افسر ویتنامی در پنوم پن، جنگ برای او به پایان رسیده است.

آخرین سرباز ویتنامی
خاک کامبوج را ترک کرد

آنان در کامبوج تشکر کرد. تعداد سربازان ویتنامی اخیراً ۵۰۰۰۰ نفر بوده است. ویتنام قبلاً ۲۰۰۰۰ نفر سرباز جهت حمایت از جمهوری دموکراتیک کامبوج در برابر حملات نیروهای ضد انقلابی اعزام کرده بود. چون سن، نخست وزیر کامبوج، از خاویر بقیه در صفحه ۱۱

در روز سه شنبه گذشته آخرین سرباز ویتنامی خاک کامبوج را ترک کرد. هزاران نفر از مردم کامبوج در مراسمی که به منظور خروج سربازان ویتنامی در پنوم پن، پایتخت کامبوج، برگزار شد شرکت کردند. رئیس جمهور کامبوج، هنگ سامرین، به هنگام خروج نیروهای ویتنامی، از حضور

برای حق تعیین سرنوشت، علیه ستم ملی

مروری بر

پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

اجتماعی و انسانی را هدف قرار داده است، نمی تواند مسئله ملی را نادیده انگارد. "اهدالت در روابط میان ملتها" یکی از شعارهای همده سال های اخیر بوده است. تشدید مسئله ملی در همین حال بیان مبارزه شدت یابنده برای پرسترویکانیز هست. زیرا میراث گذشته به بهترین شکل در لباس ملی رخ می نماید. و پدیده هایی نظیر فساد اداری و سوء استفاده از قدرت بیشترین زمینه رشد خود را در محیط ملی میابد. ناسیونالیسم، به مثابه نوعی خودخواهی جمعی، مانع کوشش مشترک خلق های شوروی در حل مسائل مشترک است. در جمهوری های کرانه بالتیک، حتی آشکارا از جدایی صحبت می شود. برای حزب کمونیست اتحاد شوروی آسان نبود

در شماره گذشته اکثریت برگزاری پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را گزارش کردیم. این پلنوم در شرایطی برگزار شد که منازعات ملی در سراسر اتحاد شوروی گسترش داشت. برگزاری پلنوم مذکور بیش از یک سال برای آنکه دگرگونی سیاست ملی بر پایه فشار حوادث صورت نگیرد، به تعویق انداخته می شد. اما دیگر مجالی برای تعویق مجدد پلنوم نبود.

گارباجف وضعیت کنونی مناسبات میان ملتها در اتحاد شوروی را "بسیار بفرنج" توصیف کرد. تضادهایی که سالها بر هم انباشته شده بود شعله ور شد. خود روند پرسترویکا، مسئله ملی را روز به روز زنده تر کرد. کسی که قلبه بر ناهنجاری ما در روابط

بقیه در صفحه ۸

برای اشتراك تشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر بستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۲۱ مارك	۲۴ مارك
بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
	<input type="checkbox"/> يك ساله	۱۰۲ مارك	۵۸ مارك
			۱۱۵ مارك

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 277
MONDAY, 2 OKT. 89

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address: Ruzbeh
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید